

آمریکایی‌ها هیچ قصد و نیتی برای یک برخورد مسالمت‌آمیز با ایران ندارند

مصاحبه‌گر: بهنام باوندپور

دوچپه‌وله: دکتر باوند، روزنامه «اعتماد ملی» با اشاره به گفتگوی حسن کاظمی قمی سفیر ایران در عراق با خبرنگاری «ایرنا»، گزارش داده که مذاکره‌ی مستقیم ایران و آمریکا منتفی شده. از آنجایی که ایران برای مذاکره با آمریکا به خواست آیت‌اله حکیم پاسخ مثبت داده بود، فکر می‌کنید چه عاملی یا عواملی باعث شدند که دولت ایران، حالا، از مذاکره صرف‌نظر بکند؟

داود هرمیداس باوند: قبلا آقای احمدی نژاد اشاره کرده بود که با توجه به اینکه الان دیگر دولت عراق تشکیل شده، دیگر ضرورتی برای ادامه‌ی مذاکرات با آمریکا نیست. اینجور که از گفته‌ی ایشان مستفاد می‌شود، این مذاکرات بیشتر درباره‌ی تسریع تشکیل دولت عراق بود. با توجه به آن سابقه و با ملاحظه‌ی اظهارات برخی از مقامات آمریکایی که از گفتگوی مستقیم، حالا منهای سفیر آمریکا در بغداد، تمایلی نشان ندادند برای ملاقات با مقامات ایرانی و پیشنهادهای که بطور کلی در رابطه با ملاقات با ایران در زمینه‌ی تکنولوژی هسته‌ای ارائه شده بود، چه از سوی کوفی عنان و خانم مرکل صدراعظم آلمان و یا چه از سوی برخی از اعضای کنگره، مثل رییس کمیسیون خارجی سنای آمریکا سناتور لوگار و غیره که آمریکا تقریباً هرگونه مذاکرات را رد کرده بود. این جریان هم مزید بر علت شده و من فکر می‌کنم در لوای شرایط جدیدی که پدیدار شده، اظهار نظر آقای کاظمی در حقیقت یک واکنشیست نسبت به جوی که بصورت بروود بیشتری بر روابط ایران و آمریکا حاکم شده است.

دوچپه‌وله: دکتر باوند، آقای کاظمی قمی دلیل منتفی شدن مذاکره با آمریکا را تشکیل دولت دائمی در عراق عنوان کرده‌اند، شما هم به این مسئله اشاره کردید، اما این استدلال قدری سوال‌برانگیز است. مگر زمانی که ایران پیشنهاد آیت‌اله حکیم برای مذاکره مستقیم با آمریکا را پذیرفت، تشکیل دولت دائمی در عراق از نظر جمهوری اسلامی محال به نظر می‌رسید که حالا با تشکیل آن، دیگر ضرورتی برای مذاکره دیده نمی‌شود؟

داود هرمیداس باوند: من فکر می‌کنم مسئله فراتر از این بوده است. یعنی با مجموعه‌ی مشکلاتی که در عراق وجود دارد و مذاکرات برای این بوده که تسهیلاتی برای حل مسایل و مشکلات کلی عراق بوجود بیاید. ولی با توجه به زمینه‌هایی که از قبل وجود داشت و اظهار نظرهایی که حاکی از اظهار علاقه‌ی آنچنان، بخصوص از سوی آمریکایی‌ها نبود، چون بارها مقامات آمریکایی اعلام کردند که اگر گفتگویی باشد، فقط با آقای خلیل‌زاد انجام خواهند داد و آنها علاقه‌ای ندارند که شخص دیگری دخالتی در این مذاکرات داشته باشد. یعنی یکنوع بروود و سردی از سوی آمریکایی‌ها نمودار شده و منطقاً از طرف ایرانی هم، با توجه به جوی که پدیدار شده بود، در هر حال آنها این عکس‌العمل را نشان دادند که مذاکرات می‌بایست درباره‌ی تشکیل دولت عراق، یعنی حل اختلافات فی‌مابین باشد و اینک که دولت تشکیل شده است، دیگر ضرورتی برای مذاکرات به نظر نمی‌رسد. من بر این باورم که مسئله فراتر از سطح تشکیل دولت عراق بوده و تنها می‌توانست فتح بابی باشد برای مذاکرات کلی‌تر در مورد مسئله‌ی عراق. حتا، بسیاری اظهار نظر می‌کردند که اگر این مذاکرات قرین موفقیت بشود، گریزناپذیر پیامدهایی نسبی در زمینه‌های دیگر در پی خواهد داشت. حتا برخی از مقامات خارجی و مفسرین خارجی هم این پیش‌بینی را می‌کردند، ولی عدم تحقق این انتظار حاکی از این است که بنیان روابط ایران و آمریکا کماکان دچار انجمادیست که سالهای سال حاکم است و نتوانستند این یخ‌هایی را که در اینمدت ۲۷ سال ضخیم‌تر شده است، آب بکنند و کماکان موضع دو دولت به همان جایگاه‌های اولیه عودت داده شده است.

دوچپه‌وله: دکتر باوند، سفیر ایران در عراق به این مسئله اشاره کرده که بعد از تشکیل دولت عراق، مقامات هر دو کشور آمریکا و ایران دیگر انجام مذاکرات را بی‌دلیل دانسته‌اند و آمریکا هم در آخرین موضع‌گیری خودش اعلام کرده است که دیگر نیازی به مذاکره‌ی مستقیم نیست، «چون کاتالهای ارتباطی برای انتقال پیامهای دوجانبه وجود دارد». آیا، به نظر شما، اظهارات سفیر ایران در عراق بیشتر بیانگر این نیست که این آمریکاست که در شرایط کنونی تمایلی به مذاکره مستقیم با ایران ندارد؟

داود هرمیداس باوند: دقیقا همینطور است. علی‌رغم درخواستهایی که از سوی محافل مختلف برای گفتگو با ایران صورت گرفته، چه در داخل آمریکا و چه خارج از آمریکا، معذالک مقامات آمریکایی بارها تاکید کردند که هیچ تمایلی برای انجام مذاکره با ایران ندارند و این ارتباط پیدا می‌کند با جو کلی که بر روابط ایران و آمریکا حاکم است. از روی علائم و قرائن، این طرف آمریکایی‌ست که تمایل آنچنانی برای انجام این مذاکره نداشته است. عکس‌العمل ایران هم خیلی طبیعی‌ست، وقتی طرف مقابل با سردی خاص اعلام بکند که نیازی برای مذاکره نیست. بنابراین، او هم بنوبه‌ی خودش اظهارنظری شبیه او اعلام کرده است که هم آقای احمدی‌نژاد قبلا کرده بودند و اینک سفیر ایران در بغداد تقریبا همان نکته را تکرار کرده است.

دوچه‌وله: دکتر باوند، به نظر شما بررسی پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت هم نقشی در این میان بازی می‌کند؟

داود هرمیداس باوند: در حال حاضر پرونده هسته‌ای ایران سایه‌افکن در تمام زمینه‌هاست و لذا، گرچه امور را باید از هم تفکیک کرد، چون هر مسئله‌ای اعتبار و اهمیت خودش را دارد، ولی مسایل ایران و آمریکا طوری‌ست که بخصوص این مسئله‌ی تکنولوژی هسته‌ای سایه‌افکن است بر دیگر مسایل، و حتا بسیاری مذاکرات در مورد عراق را سرآغاز یک روزنه می‌دانستند که می‌توانست فتح بایی باشد برای جوی نسبتا مساعدتر در دیگر زمینه‌ها. اما، به نظر می‌رسد که مسئله تکنولوژی هسته‌ای آنچنان سایه‌اش سنگین بوده که حتا این امر هم نتوانست آن انتظار عمومی را عملی بکند.

دوچه‌وله: دکتر باوند، از یک طرف مذاکرات ایران و آمریکا به شکل مستقیم در مورد عراق منتفی شد، از طرف دیگر نامه آقای احمدی‌نژاد پاسخ داده نشده و دولت آمریکا هم اعلام کرده است که به شکل رسمی به آن پاسخ نخواهد داد. این دو مسئله را اگر کنار هم بگذارید، آینده‌ی روابط ایران و آمریکا را چگونه می‌بینید؟

داود هرمیداس باوند: رویدادهایی که در این یک ماهه‌ی اخیر پیش آمده، حاکی از این است که آمریکایی‌ها هیچ قصد و نیتی برای یک برخورد مسالمت‌آمیز با ایران ندارند، البته تا به حال. اما، همانطور که می‌دانید، اخیرا آقای برژینسکی موضعی انتقادی گرفته بود، یا در اجلاس قبلی که از وزرای خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا تشکیل شده بود، نظراتی در این مورد ارائه شده بود. حالا اگر در آینده آمریکا تعدیلی در موضع فعلی‌اش بکند، این مربوط به آینده است، ولی تا این لحظه آمریکا قویا بر جایگاه خودش هست، یعنی عدم تمایل به ورود به یک گفتگوی جدی، و این وظیفه را ظاهرا محول کرده به دوستان اروپایی خودش که مجددا به نظر می‌رسد اروپایی‌ها طرح جدیدی را برای ارائه به ایران در دست رسیدگی دارند که احتمالا ممکن است چارچوبی برای مذاکرات باشد و این طرح هم بیشتر طرح آلمان و فرانسه هست. گو اینکه با صلاحدید آمریکاست، ولی طرح پیشنهادی بیشتر از سوی کشورهای اروپایی‌ست که فعلا مورد بررسی‌های ابتدایی قرار گرفته و قرار است در شورای امنیت مطرح بشود.